

مسجد؛ سنگر مقابله با جنگ نرم

<?xml encoding="UTF-8">

درآمد

اگر به همان میزان که دشمنان از آثار و کارکردهای مسجد، نماز و عالم دینی مسلط به شرایط زمان آگاهند و از آن می ترسند، بخشی از روحانیان، سیاستمداران، مدیران و نخبگان جامعه از نقش بالفعل و بالقوه این نهادها در مقابله با جنگ نرم اطلاع داشتند، شاهد تحولاتی در شیوه مدیریت کشور بودیم که گوشه ای از نمودهای آن عبارت بود از:

- گزارش سالانه رئیس دولت ها از آخرین آمار میزان رشد کمیت مساجد، کیفیت برنامه های مساجد، ارتقای گرایش جوانان به نماز و... و کمکی که با اصلاح عملکرد خود برای حفظ استقلال مسجد و روحانی از دولت ها انجام داده اند؛

- گزارش مستمر ائمه جمعه از عملکرد مدیران برتر حوزه مسئولیت خود در احیای مساجد، تقویت نماز و متناسب سازی مساجد با نیازهای امروز جامعه؛

- گزارش سالانه استانداران، فرمانداران، بخشداران، دهداران از تلاش خود برای جلب همکاری سازمان ها و مردم برای آبادانی مساجد و گسترش برنامه های کیفی آنها؛

- گزارش شهرداران از تأمین بهترین زمین ها در موقعیت های اثرگذار شهرها برای ساخت مساجد جدید و تعمیر و زیباسازی مساجد گذشته و استقرار پارک های جدید پیرامون مساجد شهر؛

- گزارش هر شورای شهر از تغییراتی که در نمای عمومی شهرها با ساخت مساجد انجام داده و تأثیری که در کاهش مفاسد اجتماعی و معضلات شهری داشته است؛

- گزارش ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی از میزان امکاناتی که در اطراف مساجد سازماندهی کرده اند تا نسل تازه ای از استعدادهای هنری را در خدمت تبیین و تبلیغ ارزش های اسلامی قرار دهند؛

- گزارش مدیران کل تربیت بدنی از نوآوری در تشکیل انواع تیم های ورزشی وابسته به مساجد شهر و آثار آن در شکلگیری الگوهایی از اخلاق و منش اسلامی در بین نوجوانان؛

- گزارش هر عالم دینی از امکان حضور در کسوت نماز جماعت یا همکاری علمی - تبلیغی با یکی از مساجد شهر و مشارکت در برپایی جلسات مذهبی هفتگی در منازل محدوده مساجد؛

- گزارش بسیاری از اساتید دانشگاه ها، دبیران دبیرستان ها برای دادن مشاوره های خانوادگی، تحصیلی، شغلی و ارائه آموزش های کاربردی تحت هدایت و مدیریت مراکز فرهنگی وابسته به مساجد؛

- گزارش حوزه های علمیه از آموزش و تربیت نسل جدیدی از طلاب و روحانیانی که می توانند این گونه مساجد را با همکاری هیئت امناء از 8 صبح تا 12 شب مدیریت کنند.

- و ..

و در چنین شرایطی و در چنین شهری احساس می کردی، اینها حق دارند شهر و روستای خود را گوشه ای از ام

القرای اسلام ناب محمدی بدانند، اینها حق دارند خود را وارث خون شهدا قلمداد کنند و اینها به حق تربیت شدگان شخصیت بزرگی چون امام خمینی «ره» هستند و بالاخره اینها در کلام و عمل شیعه علی «ع» هستند. اما مشکل کجاست؟

صورت مسئله

مروری اجمالی بر مجموعه تلاش های دشمنان عنود که در قالب محاصره اقتصادی، ایجاد فشارهای سیاسی، جنگ سایبری و مسئله سازی پی در پی برای کند کردن روند پیشرفت جمهوری اسلامی به کار می برند، همگی حاکی از این مطلب است که آنها امیدوارند، اقدامات سازمان یافته و مستمری که از دو دهه پیش در قالب تهاجم فرهنگی برای تخریب نقاط کلیدی و حساس فرهنگ جامعه ما آغاز کرده اند در پیوند با این مجموعه اقدامات جواب دهد و ضمن جلوگیری از پیشرفت اندیشه انقلاب اسلامی در سطح جهان و بویژه در کشورهای اسلامی، بتوانند در نابودی یا حداقل تضعیف نظام جمهوری اسلامی موفقیت هایی را به دست آورند.

مجموعه محورهایی که در قالب تهاجم فرهنگی مورد توجه دشمن بوده و با بهره برداری گسترده از ابزارهای ارتباطی جدید مثل ماهواره، اینترنت و همچنین بهره گیری از نیروهای بریده درونی، دنبال شده عبارت است از:

1- گسترش ابتذال جنسی در بین نسل جوان و کاهش قبح گناه در روابط دختر و پسر؛

2- دامن زدن به اختلافات بین مذاهب مختلف؛

3- دامن زدن به اختلافات قومیتی و تحریک تمایلات تجزیه طلبانه؛

4- شکستن و کاهش قداست و ارزش اعتقادات حرکت سازی مثل عشق به امام حسین «ع»؛

5- تضعیف نظریه ولایت فقیه، جایگاه روحانیت و اشاعه تفکر سکولاریزم؛

6- تمرکز به مجموعه اقدامات متلاشی کننده نهاد خانواده که بستر رشد سریع معضلات اجتماعی خواهد بود؛

7- بهره برداری از نتایج همه این اقدامات برای ایجاد نارضایتی نسبت به نظام و اثبات عدم کارایی حکومت دینی در اداره موفق جامعه.

نکته قابل توجهی که باید مورد توجه سیاستمداران، عالمان دینی، مدیران، کارشناسان و سایر نخبگان جامعه قرار گیرد، دستیابی به تحلیلی جامع و صحیح از عوامل اصلی علل عدم موفقیت این مجموعه تلاش گسترده و طولانی مدت دشمنان انقلاب است.

گرچه وعده الهی این است که اگر مؤمنان به یاری دین خدا برخاستند، خداوند آنها را یاری خواهد کرد و نمی توان از عنایات الهی در این امر گذشت، لیکن لازم است بررسی شود که چه عواملی عامل ادامه و حفظ اعتقادات و باورهای یاری کنندگان دین الهی است؟ بدون شک پاسخ کامل این سؤال نیازمند بحث تفصیلی گسترده ای است، اما می توان پذیرفت که یکی از این مجموعه عوامل، نظام اصیلی است که در متن دین الهی به صورت نظام مند برای حفظ و انتقال اعتقادات و ارزش های آخرین دین الهی پیش بینی شده است و اگر عملکرد تک تک این عوامل در حفظ دین الهی شناسایی شود و مهمتر از آن، ارتباطات هم افزا و نظام واره آنها مورد توجه قرار گیرد به بخش مهمی از علل عدم موفقیت دشمن پی خواهیم برد، اما در حال حاضر، بیم آن می رود که با تضعیف و یا حذف هریک از این عوامل، کارایی تاریخی این نظام افول کند و ضربه سنگینی به روند تحولات فرهنگی جامعه وارد شود و علی رغم همه موفقیت های به دست آمده با تداوم بی توجهی به این نظام الهی، ضربات سنگینی به فرهنگ جامعه ما وارد شود.

اجازه دهید برای صرفه جویی و اختصار از ابتدا این عوامل را در قالب مدلی همراه با ارتباطات آنها معرفی کنم تا با مشاهده شبکه گسترده تأثیرات متقابل آنها روی یکدیگر، مفهوم هم افزایی ملموس شود.

عترت

قرآن

مکان های مقدس دینی

ایام مقدس مذهبی

عبادات اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، صله رحم و ..

عبادات فردی

نماز و روزه

نظام روحانیت و حوزه علمیه

ولایت فقیه

شبکه مساجد

حفظ و تقویت اعتقادات، ارزش ها و رفتارهای دینی

اشاره به نظام واره بودن ارتباطات این عوامل، جلب توجه خواننده محترم به یکی از خصوصیات مهم هم افزایی یا «سینرژی» در سیستم هاست که موجب می شود علاوه بر آثار وجودی تک تک عوامل، تأثیرات آنها روی یکدیگر، اثر وجودی این مجموعه را به مراتب افزایش دهد، به طوری که هر انسانی براساس اراده و اعتقاد اولیه با یکی از این عوامل پیوند برقرار کند، بتدریج با دیگر عوامل این نظام مرتبط شده و پس از مدتی هویت دینی پیدا می کند و برای خدمت به دین و مردم مسلمان آماده می شود و این یکی از ابزارهای مهم تداوم حیات شیعه و حفظ محتوای دین الهی و جوشش درونی آن برای شکلگیری انقلاب اسلامی و بعد از آن برپایی نظام مقدس جمهوری و ادامه حیات شکوهمند آن و مقاومت نسبی¹ در مقابل ابعاد گسترده و وسیع تهاجم فرهنگی دشمن بوده است. حال اگر به دلیل عدم درک سیستمی این مجموعه، هر یک از عناصر آن حذف شود یا عملکردهای سازنده آن کاهش یابد، به طور طبیعی بر عملکرد همه عوامل این نظام تأثیر مخرب خواهد گذاشت.

به عنوان مثال، مسجد یکی از ارکان مهم این نظام است که به واسطه عادت که مؤمنان بویژه عالمان دینی از دوران نوجوانی و جوانی با آن دارند، و احساس آشنایی و قرابتی که پیدا می کنند، هیچ گاه به صورت علمی پیرامون کارکردهای متنوع آن مطالعه نکرده اند، تا وقتی انواع کاستی ها را در آن مشاهده می کنند، نگران شوند و راهی برای اصلاح آن جست و جو کنند و اگر بخواهیم در این مختصر، سرفصل های این آثار و برکات را شمارش کنیم، باید بگوییم:

1- مسجد محل ارتباط عمیقتر و باکیفیت تر انسان ها با خالق خویش است؛

2- مسجد محل ارتباط مسلمانان با یکدیگر آن هم در فضای معنویت خاص آن است (برای درک کامل آن باید مقایسه کنیم با آشنا شدن افراد در سایر محیط ها)؛

3- مسجد محل ارتباط مؤمنان با عالمان دینی است، ارتباطی که موضوع آن کسب معارف الهی است؛

4- مسجد محل کسب دانش دینی آن هم برای تصمیم گیری در مسائل روزمره زندگی (یعنی وقتی روحانی و مردم در کنار هم از محل عبور می کنند تا در مسجد برای عبادت قیام کنند، مشاهده هر معضل اجتماعی از زندگی روزمره مردم، مسئله ذهنی روحانی و مردم شده و در جست و جوی راه حل آن از دیدگاه دین هستند و انتظار

دارند روحانی مسجد آنها را راهنمایی کند)؛

5- مسجد محل شکلگیری هویت مذهبی برای افراد در محدوده محل زندگی است و در نتیجه کنترل کننده بسیاری از عملکردها و رفتارهای مردم با یکدیگر است (نمازگزارانی که در صف جماعت نشسته اند در ساعاتی بعد به عنوان فروشنده و خریدار با هم مراوده دارند و به طور طبیعی معامله آنها در چارچوب شرع مقدس شکل خواهد گرفت، چرا که به لحاظ عاطفی خود را برادر ایمانی یکدیگر تلقی می کنند و به این امر باور دارند)؛

6- مسجد محل درک معضلات عمومی جامعه و تلاش جمعی برای حل و فصل آن است؛

7- مسجد دارای عالم عادل و آزاده به عنوان امام جماعت در صورت وجود حکومت و حاکم فاسد، محیطی است برای وحدت مظلومان و تبدیل شدن به یک قدرت برای مقابله با زورگویان یا حاکمان ظالم است؛

8- مسجد محیطی است برای کاهش سوءتفاهمات و حل و فصل بسیاری از دعاوها و عدم تشکیل پرونده در سازمان های رسمی؛

9- مسجد با وجود عالم باسواد، محلی است برای طرح همه ابعاد دین در مباحث اعتقادی، اخلاقی و احکام الهی آن هم بدون ملاحظات جانبی و در نتیجه حفظ تعادل و زیبایی دین و پذیرش آن از سوی مردم (توضیح اینکه وقتی رابطه روحانی و مردم از مسجد به هر جای دیگری منتقل شد یک سلسله ملاحظات برای روحانی و مردم به وجود می آید و خواسته و یا ناخواسته در تبیین بخش هایی از دین الهی تأثیر منفی می گذارد)؛

10- بالاخره، این فضای معنوی مسجد است که با احساس قویتر از درک محضر الهی موجب می شود روحانی مسجد که باید صفت عدالت را برای خود حفظ کند تا امام جماعت موفق باشد، به صورت آگاهانه و بعضاً ناآگاهانه اقدام به نقد روحیات و رفتار غلط مخاطبان خود کند و بدون ملاحظه سخن خدا را به زبان جاری سازد و مردم در همین محیط است که با احساسات توأم با معنویت، انتقادات عالم دینی را می پذیرند و خود را اصلاح می کنند، بدون اینکه از گوینده گله مند شوند.

اینها گوشه ای از برکات مساجدی هستند که صرفاً محل انجام عبادت و در ایام خاص محل برگزاری جلسات وعظ و خطابه و برپایی شعایر اسلامی است و اگر مساجدی داشتیم که با درک شرایط زمان، خدمات دیگری را در حاشیه این خدمات محوری سامان می دادند، همان طور که بعضاً وجود دارد، ده ها اثر سازنده دیگری در محیط خود دارند که از آن می گذریم.

حال وقتی این برکات را مورد توجه قرار می دهیم و با بررسی میدانی متوجه می شویم وجه غالب و مشترک اکثریت شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی و همه افرادی که هم اکنون در صحنه های مختلف انقلاب آماده فداکاری هستند، ارتباط آنها با مسجد و روحانی بوده است و اگر تلاش های دشمن در ایجاد شک و تردید و تحریک ابتذال جوانان کم تأثیر است، علی رغم همه ضعف های موجود در نظام تبلیغات دینی و کارکرد مساجد، همچنان مدیون این نظام اصیل تبلیغاتی هستیم و وقتی با این تلقی، وضعیت مساجد موجود در کشور را مورد ارزیابی قرار می دهیم، می بینیم که در وجه مثبت، با همین میزان کارکرد، همچنان مسجد یکی از سنگرهای مهم خنثی کننده تلاش های دشمن و تربیت کنندگان نسل جدیدی از جوانان متدین است و از سوی دیگر رنج می بریم که چرا با نشناختن این آثار به جای محور قرار دادن احیا و تقویت مساجد، بعضاً با امکانات دولتی و مردم، و گاهی با بهره گیری از نیت های خیر مردم متدین، ده ها تصمیم غلط و تضعیف کننده مساجد را اتخاذ می کنیم و نه تنها این مجموعه عظیم کارکردهای مسجد را تضعیف می کنیم که از آن مهتر، نقش مسجد را در حفظ و تقویت سایر عناصر نظام تبلیغات اسلامی را که سرمایه تاریخی ماست کاهش می دهیم.

برای شناخت بهتر بار دیگر به نمودار مزبور توجه کنید، وقتی مسجد کم رنگ می شود، نماز جماعت بی رونق می شود، ارتباط با عالمان دینی کاهش می یابد، وقتی مسجد تضعیف می شود، عبادات جمعی بی رنگ می شود و دل ها از هم دور و هر اختلاف جزئی به پرونده ای در دستگاه های قضایی تبدیل می شود، وقتی مسجد تضعیف می شود، شناخت از دین محدود به آموزش های رسمی مدرسه شده و آرام آرام توجه به احکام الهی در زندگی روزمره به حاشیه می رود و اخلاق اسلامی بی رنگ می شود وقتی مسجد تضعیف می شود، تمرکز بر خویشتن و پذیرش توبه که در ایام مقدس مذهبی برای مؤمنان به وجود می آید کاهش می یابد. وقتی مسجد تضعیف می شود رفتن در سایر مکان های مقدس مثل مرقد ائمه و امام زاده ها کاهش و بالاخره انجام عبادت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مهمترین عامل کنترل محیط اجتماعی و فرهنگ عمومی به حداقل می رسد و در چنین بستری است که به تدریج یکی از مهمترین مجموعه نظام های کارآمد برای مقابله با تهاجم فرهنگی روز به روز ضعیفتر می شود و عمق دینی مردم کاهش می یابد و در چنین شرایطی آثار و پیامدهای تهاجم فرهنگی نمود پیدا می کند و ما به جای پرداختن به اصلاح ریشه ها با تحلیل و برجسته سازی این آثار و تبیین مکرر اقدامات دشمن در قالب جنگ نرم، نوعی یأس و ناامیدی از امکان اصلاح را به مدیران مراکز فرهنگی و روحانیان در صحنه فعالیت های فرهنگی القا می کنیم.

چه باید کرد

اشاره به کم توجهی به اهمیت مسجد و آثار و برکات آن در بین مسئولان، عالمان دینی و به تبع آن توده مردم در این بحث، تنها گوشه ای از معضل بزرگی است که این روزها در سیاستگذاری ها و اقدامات فرهنگی با آن روبه رو هستیم و این بحث می تواند با توجه به سایر عوامل از جمله بررسی «چرایی کاهش حضور مؤثر عالمان دینی در روابط اجتماعی و خطراتی که این امر در آینده جامعه ما دارد؟» ادامه پیدا کند و موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و در قالب طرح جامعی برای حفظ و تقویت کلیت این نظام اندیشه کند، اما در حد اجمال می توان به سرفصل های زیر به عنوان مجموعه اقدامات لازم برای احیای مساجد اشاره کرد. هرچند بنای مساجد همراه عالمان کارآمد و همراهی برای ارتقای همه این عوامل راهگشا خواهد بود.

1- مطالعه هوشمندانه برای مستندسازی این نقش ها برای ایجاد شناخت عمیقتر عالمان دینی، نخبگان و مردم از اهمیت و عظمت جایگاه مسجد و شناخت فلسفه آیات و احادیثی که برای آبادانی و حضور در مساجد رسیده است؛

2- انجام مطالعات لازم برای طراحی مسجد مناسب شرایط زمان به عنوان مرکز فرهنگی محله و شهر؛ توضیح بیشتر اینکه، می توان اثبات کرد که به دلایل نقلی، عقلی ما باید علاوه بر برپایی عبادت الهی و آشنایی مردم با معارف دینی، به عنوان اصلی ترین رسالت مسجد در شرایط موجود، بسیاری از خدمات مورد نیاز مردم را در زمینه مشاوره های خانوادگی، ازدواج، تحصیل، اشتغال و سایر امور زندگی پیرامون مساجد سامان دهیم و همچنین با حفظ کارکرد عبادی مساجد و مراعات مسائل شرعی، بسیاری از عوامل جذب کننده جوانان از جمله، هنر، ورزش، آموزش های کوتاه مدت را از رهگذر توسعه خدمات حول محور مساجد عرضه کنیم، و با تأمین زندگی امام جماعات و پیش بینی آموزش های مستمر تخصصی برای آنان، مساجدی را داشته باشیم که از هشت صبح تا ده شب به عنوان کانون فرهنگی فعال، پاسخگوی نیازهای مختلف اقشار جامعه باشد.

3- طراحی الگویی برای ساخت و تکمیل مساجد موجود متناسب با نیاز های زمان در همه نقاط مورد نیاز؛

4- سازماندهی کمک های دولت، شهرداری ها، مردم و گرفتن بخشی از هزینه های این گونه خدمات در چارچوبی که استقلال مسجد، روحانی از دولت ها حفظ شود و مردم احساس نمایند مسجد متعلق به خودشان است.

5- ایجاد یک سازمان کارآمد سلسله مراتبی برای هدایت و مدیریت این مجموعه نهاد که در رأس آن نماینده ولی فقیه و احیاناً نمایندگان از سایر حوزه های علمیه باشند.

6- بهره گیری از ابزارها و فناوری های جدید برای توسعه نفوذ معنوی مساجد در درون آپارتمان ها، مجتمع های مسکونی و خانه های مردم از رهگذر فعال سازی جوانان عضو فعالیت های فرهنگی مساجد برای راه اندازی جلسات مذهبی هفتگی در طول سال؛

7- راه اندازی یک شبکه تلویزیونی برای معرفی، نوآوری ها آموزش افراد فعال مسجد و حمایت فرهنگی از این نهاد عظیم اجتماعی، زیر نظر صدا و سیما؛

خلاصه اینکه نظام اصیل تبلیغات دینی که حاصل آموزه های ائمه اطهار و ظرفیت های درونی دین مبین اسلام است و در طول 1400 سال کارایی خود را حفظ کرده است و کماکان اصلی ترین ابزار مقابله ما با توطئه های دشمنان انقلاب اسلامی است و نباید با امیدواری افراطی و بی جهت به ابزار های نوین، احساس کنیم سرمایه ها و نهادهای گذشته پاسخگو نیست و با اقدامات نسنجیده همراه با شیفتگی به فناوری های مدرن، زمینه تضعیف و حذف آنها را فراهم سازیم، بلکه به عنوان یک راهبرد کلان بدانیم، وقتی ابزارهای نوین می تواند به درون جامعه ما خدمت کند که پس از بومی سازی دراختیار نهادهای اصیل گذشته یعنی مسجد، روحانیان، نخبگان مؤمن و هنرمندان متعهد قرار گیرد و از رهگذر حضور آنها، در زندگی مردم وارد شود، در غیر این صورت ممکن است آثار منفی آن به آثار سازنده آن فزونی داشته باشد، گرچه نظام جمهوری اسلامی وظیفه دارد برای انتقال پیام های انقلاب اسلامی، قوی ترین رسانه های مدرن را برای ارتباط با سایر مردم جهان برای خود به وجود آورد.

پی نوشت :

1- کاربرد کلمه نسبی به منزله اعترافی است از اثرگذاری بخشی از تلاش های دشمن روی نیروهای جوان جامعه که نباید از آن غافل شد و با بزرگ نمایی موفقیت های علمی، اقتصادی و سیاسی از این ضایعه فرهنگی عبور کرد.